



داستانهای کوتاه ایران و سایر کشورهای جهان

۶

به کوشش

فتح‌الله بی‌نیاز - محسن باقرزاده

تقی زاده، صفدر ۱۳۱۱ - ، گرد آورنده.
داستانهای کوتاه ایران و جهان / به کوشش صفدر تقی زاده،
اصغر الهی - تهران: توس، ۱۳۶۸ -

ج. - (انتشارات توس: ۳۳۶، ۳۴۲، ۳۸۹، ۴۹۲، ۵۱۱)

(ج. ۱): ISBN 964-335-5

(ج. ۲): ISBN 964-315-492-0

(ج. ۳): ISBN 964-315-510-2

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

الف. عنوان روی جلد: داستانهای کوتاه ایران و سایر کشورهای جهان.

گرد آورندگان هر جلد متفاوت است.

ج. ۱. (چاپ سوم: ۱۳۸۲): ج. ۴. (چاپ اول: ۱۳۷۷).

ج. ۲. (چاپ اول: ۱۳۶۹): ج. ۵. (چاپ اول: ۱۳۸۱).

ج. ۳. (چاپ دوم: ۱۳۷۷): ج. ۶. (چاپ اول: ۱۳۸۴).

۱. داستانهای کوتاه - مجموعه ها. ۲. داستانهای کوتاه فارسی -

- مجموعه ها. الف. الهی، اصغر، ۱۳۲۳ - ب. عنوان: داستانهای کوتاه

ایران و سایر کشورهای جهان.

۸۰۸/۸۳۱

۲۷ دلت pz

۶۸۲۶۳۷ م

کتابخانه ملی ایران



□ داستانهای کوتاه ایران و سایر کشورهای جهان (۶)

□ به کوشش: فتح الله بی نیاز - محسن باقرزاده

□ چاپ اول، ۱۳۸۴

□ حروف چینی و صفحه آرائی: توس

□ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

□ چاپ حیدری

□ لیتوگرافی قاسملر

□ قیمت: ۱۶۵۰ تومان

□ انتشارات توس، تهران اول خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۴۶۱۰۰۷، دورنگار ۶۴۹۸۷۴۰

□ نشانی اینترنت: www.ToosPub.com پست الکترونیک: info@toospub.com

ISBN 964-315-350-9

شابک ۹۶۴-۳۱۵-۳۵۰-۹

فهرست مطالب

مقدمه	بی نیاز، فتح الله	۷-۱۰
-------	-------------------	------

داستانهای ایرانی

غم‌باد	امیری، ناتاشا	۱۱-۲۱
تپ‌نشین	محقق، اعظم	۲۲-۲۶
مثل همان روزها	گلشیری، سیامک	۲۷-۳۵
چی میل دارید؟	صادقی، لیلا	۳۶-۳۸
بدهکار	تابشیان، زهرا	۳۹-۴۲
تابستان آن سال	وهابی، سعید	۴۳-۴۶
آندره میشل در آشپزخانه	خورشاهیان، هادی	۴۷-۴۸
وقتی دخترم چاره‌ای نداشت	تقی‌زاده، هادی	۴۹-۵۲
اگر اتوبوس می آمد	نوش آذر، حسین	۵۳-۵۹
هوای صفر درجه غربت	شکوری، پروین	۶۰-۶۵
کیف چرمی کهنه	رحمانیان، زهره	۶۶-۷۰
خون سیاوش	امین‌الاسلام، فرید	۷۱-۷۵

۷۶-۸۳	میرقدیری، محبوبه	بیوه خیال
۸۴-۹۰	الیاتی، میترا	داستان بالابر
۹۱-۹۳	نجم آبادی، فریده	باغ بی پایان خانم نیکول
۹۴-۹۶	رضائی راد، ساسان	زیبا واقعا زیبا بود
۹۷-۹۹	نظرزاده، رسول	دو نفر پشت شیشه
۱۰۰-۱۰۳	مظفر مقدم، سروش	باب ظلمات
۱۰۴-۱۱۰	مزارعی، مهرنوش	موش ها و آدم ها
۱۱۱-۱۲۵	دوامی، خسرو	آقای مشکاتی
۱۲۶-۱۴۳	رهنورد زریاب، مجده اعظم	مارهای زیر درختان سنجد
۱۴۴-۱۵۰	بی نیاز، فتح الله	برکه قشنگم

داستانهای خارجی

۱۵۱-۱۵۵	بجرالعلومی، فرزانه	رهایی
۱۵۶-۱۶۱	مهمان نوازان، محمد علی	چارلز
۱۶۲-۱۶۶	مهمان نوازان، محمد علی	روح گمشده
۱۶۷-۱۷۴	عبداللهی، علی	یو، شاهد عقد
۱۷۵-۱۷۷	وحدتی احمدزاده، منصوره	بعد از هیجده ماه
۱۷۸-۱۸۲	مهمان نوازان، محمد علی	خبر داغ
۱۸۳-۱۸۹	کاشی چی، ناهید (باقرزاده)	ویولون پاگونی
۱۹۰-۲۰۰	استیانیان، سروژ	سراب

به عنوان مقدمه

داستان کوتاه همچون رمان، از دستاوردهایی است که تا پایان عمر بشر باقی خواهد ماند. داستان کوتاه، حرف و شاید درد دل کوتاهی است که برخلاف رمان، در پی جهان سازی نیست، بلکه می خواهد وضعیتی را به خواننده انتقال دهد. امروزه، پس از فراز و فرودهای بسیار، ادبیات داستانی به این نتیجه رسیده است که داستان کوتاه باید در پی «تأثیر» باشد تا «کمال».

شاید بعضی از داستان های کوتاه همچون نقاب مرگ سرخ، برنیس و سبوط خاندان آشر از آدگار آلن پو گل سرخی برای امیلی و واش از فاکنر، کهن ترین داستان عالم از رومن گاری و عشای نیمه شب از ژواکیم ماریا ماشادو آسیس و مشکه جادو از برنارد مالامود، هم به کمال دست می یابند و هم به تأثیر، اما رویهم رفته، چنین حالتی استثناء است. در هر حال، کمال در داستان کوتاه حاصل نمی شود مگر به طور استثناء و مگر به علت یا عللی که چه بسا از خود آگاه نویسنده هم خارج است و فقط محصول ناخود آگاه بوده است که توانسته در پنج - شش صفحه، موقعیتی را به صورت کمال یافته بازنمایی کند.

به همین دلیل است که با تقریب کافی می توان گفت که خصلت «تأثیر» بر دیگر خصلت های داستان کوتاه برتری دارد. بی علت نیست که امروز بار دیگر تأکید ادگار آلن پو در این مورد مطرح می شود و حتی تأکید افراطی او بر کم کردن «اندازه» و «حجم» قصه در دستور کار قرار می گیرد. این امر از زاویه دیگری هم اهمیت پیدا کرده است: افزایش ژرفا و وسعت حلقه ارتباط نویسنده و خواننده، یعنی تنوع و تعمیق واژه ها که حاصل ارتقاء سطح کیفی و کمی اطلاعات و دانش بشری است. اگر در

عرصه خرد انزاری دستگاهی با ابعاد یک بسته سیگار می‌تواند یک ابر رایانه شود یا در قالب دوربینی می‌تواند شانزده میلیون رنگ را تشخیص دهد، چرا قصه‌ای نتواند در سه - چهار صفحه عمق و پهنای یک رمان را داشته باشد و همان تأثیر را بر خواننده بگذارد؟

تردیدی نیست که داستان کوتاه نمی‌تواند جای رمان را بگیرد، زیرا به لحاظ ماهوی، تک بُعدی‌ترین شکل ادبی است و فقط می‌تواند موقعیتی از میلیاردها موقعیت جهان انسانی را باز نمایی کند. اما می‌تواند «تمام» آن چه را که نویسنده در ذهن داشته است، به خواننده القا کند و او را تحت تأثیر قرار دهد. داستان کوتاه، جدا از خاستگاه مدرنیستی‌اش، خصلتی مدرنیستی دارد که تأثیرش را از حد کلمه فراتر می‌برد، همان‌طور که مفهوم ذهنی‌اش از مجموعه جمله‌ها فراتر می‌رود. در واقع داستان کوتاه، تجلی یا دقیق‌تر بگوییم «کشف و افشای چپستی چیز» می‌شود و درک و دریافت ناگهانی و بی واسطه جهان را در زمانی کوتاه افاده می‌کند.

اگر نویسنده در این مقصود توفیق نیابد، بی‌تردید نتوانسته «داستان کوتاهی از جهان بزرگ» خلق کند یا به تعبیری، نتوانسته چنان برش عرضی استادانه‌ای را انتخاب کند که با یک رخداد و یک، یا چند شخصیت حول آن، تصویری از فلان وضعیت خاص جهان ارائه دهد.

داستان کوتاه فرصت کمی دارد تا رابطه حسی لازم را بین خواننده و داستان برقرار کند و خواننده را بی واسطه به دنیای قصه راه دهد، بنابراین نویسنده باید بیشتر از تدابیری یاری بگیرد که به خاطر برخورداری از تحرک، گاه در آن واحد به انجام چند وظیفه متفاوت پردازد (معرفی شخصیت، مکان و زمان واقعه) و در عین حال بحران داستان را تشدید کند و این وظیفه به عهده صحنه است. غلبه وجه نمایشی بر نقل و گفتار، از همین جا ناشی می‌شود، مگر این که داستان برارکان نقل و توصیف بنا نهاده شده باشد.

در داستان کوتاه امروزی، سهم چندانی به نقل و توصیف داده نمی‌شود، به جز در جهت کوتاه نمایی (Foreshortening) تا به این وسیله، با فشرده‌گی و تمرکز روی پدیده یا شئی خاص، در یک یا دو جمله چند صحنه طولانی حذف شود. توصیف به هر حال ارائه تصویر ساکن از دنیای بیرون و نقل بیان فشرده واقعه، عمل، سرگذشت یا حالت‌هایی است که در غیاب جهان متحرک داستان حضور پیدا می‌کنند و نویسنده

به یاری آنها به خواننده می‌گوید چه می‌بیند. همین نکته، روایت را کند می‌کند، زیرا شامل «چیزهایی» است که تعیین‌کننده نیستند و در عین حال نمی‌توان آنها را بی‌فایده و زائد تلقی کرد. به همین دلایل، داستان کوتاه امروزی، با دادن چند مشخصات و مشخصات، آن هم در دلِ کنش، فضای لازم را می‌سازد. در داستان کوتاه قوی، توصیف، با کنش و دیالوگ، صورت می‌گیرد. توصیف هرگز یک توصیف صرف نیست. توصیف با حرکت داستان هماهنگ می‌شود. به طور کلی توصیف مستقل یا نقل طولانی که خصلت نقالی به قصه می‌دهد، امروزه ما نمی‌است در مقابل جریان سیال داستان کوتاه.

از دیگر نکته‌هایی که نویسندگان روز به آن اهمیت می‌دهند، پرداختن به شخصیت است. در داستان کوتاه، الگوی روانشناختی شخصیت، از قبل پی‌ریزی شده است، لذا نویسنده به وجوهی از آن در عرصه رفتار و کردار و تفکر و روحیه می‌پردازد. شخصیت داستان کوتاه، حتی اگر قرار است به طور مطلق «من محور» باشد، نباید داستان را به سکون بکشانند. اگر وظیفه چنین شخصیتی در داستان کوتاه، کشف پاره گم شده وجود خود در مناسبات اجتماعی یا عقب نشینی تا جهان افسانه‌ها و اسطوره‌ها است، عملاً داستانی روایت نمی‌شود و نوشتار تا حد تأملات و حدیث نفس تنزل پیدا می‌کند و این، درست نقطه مقابل آن داستان‌های کوتاهی است که حادثه را عمده می‌کند و شخصیت را تا حد «فرد» تقلیل می‌دهد. نویسنده امروزی، از هر دو حالت روگردان است، زیرا می‌داند که معنای تازه‌ای به ادبیات ملی و جهانی اضافه نکرده است.

نکته دیگری که نویسنده امروزی به آن توجه دارد، نقل و انتقال‌ها (Transitions) است، که باید به جای جمله‌های طولانی قرن نوزدهمی جای خود را به حداقل کلمه بدهد. از این رو، انتخاب پدیده‌های روانی مانند اندوه، هیجان، شادی یا انتخاب اشیا یا استفاده از شرایط جوی یا تغییر زاویه دید و کاربرد نام افراد دیگر (اگر نگوییم شخصیت) و بالاخره اشاره به گذشت زمان، ابزاری هستند برای این نقل و انتقال‌ها.

موضوع حدومیزان بازی زبانی در یک داستان کوتاه هم اهمیت دارد. شاید رمان حجم زیادی از بازی‌های زبانی را برتابد، اما اگر قرار باشد داستان کوتاه از بازی زبانی اشباع شود، خواننده؟ که فرصت اندکی برای تماس با قصه دارد، آن را به اصطلاح

اشباع شود، خواننده؟ که فرصت اندکی برای تماس با قصه دارد، آن را به اصطلاح گم می‌کند و توفیقی در کشف قصه به دست نمی‌آورد و از لذت خواندن داستان محروم می‌شود. دنبال معانی واژه‌ها گشتن و تعقیب بی وقفه استعاره‌ها، کنایه‌ها، تشبیه‌ها و دیگر آرایه‌های زبانی، از نظر نویسنده امروزین داستان کوتاه، معمولاً حساب شده و دقیق است.



و نکته آخر، این که، بیش از صد و ده داستان کوتاه برای این مجموعه ارسال شد که به دلیل محدودیت از بین آنها همین قصه‌ها انتخاب شده‌اند. داستان‌ها براساس اعتبار درونی شان انتخاب شده‌اند نه نام نویسندگان‌شان. به همین دلیل شماری از آنها به کسانی تعلقی دارند که نام و آوازه‌شان در حد و اندازه نویسنده‌های تراز اول کشور نیست. فصل مشترک این داستان‌ها، خلاقیت نویسنده است؛ چه در ساختار، چه در معنا یا هر دو؛ ضمن این که گرایش مدیر محترم انتشارات توس آقای محسن باقرزاده و خود من معطوف به نسل جوان یا به بیان دیگر، نسل آخر نویسندگان ایران بوده است.

فتح‌الله بی‌نیاز